

از سرگیری گرفتن مبارزه یا جنگ مسلحانه و مردم یارسان

نهتهوهی کورد در کنار دیگر نهتهوه‌های ساکن ایران برهبری جریانات انقلابی سهم بزرگی در نقش آفرینی و بثمر رساندن انقلاب در سال ۵۷ داشت. نهتهوهی کورد با طرح خواسته‌های دمکراتیک خواهان استقرار نظامی دمکراتیک، پلورال و عادل بود. نیروهای انقلابی کوردستان خواست دمکراتیک "خودمختاری" و "دمکراسی" را سر لوجهی مطالبات و اهداف خود قرار دادند. آنها بر این باور بودند که نظام آینده سیاسی باید بر اساس سیستم اداری و سیاسی غیر متمرکز پایه‌ریزی شود تا اینکه پیش زمینه‌های زیر ساختی و ساختاری توسعه سیاسی و رشد اقتصادی برای تمام ایرانیان فراهم گردد. نیروهای سیاسی کورد توانستند در اوایل انقلاب به یمن تواناییهای سازمانی و سیاسی تقریباً تمام مناطق شمالی و مرکزی کوردستان ایران را تحت کنترل خود در آورند و نظم و ثبات و آرامش را برقرار کنند. نیروهای وابسته به خمینی و خود او وضعیت سیاسی کوردستان را تهدیدی علیه تثبیت و تحکیم قدرت سیاسی و ایدئولوژیکی خود می‌پنداشتند، بهمین دلیل طبل جنگ علیه نهتهوهی کورد از طرف ائتلاف سیاه، سرخ و آبی در تهران بصدا در آمد. جنگ چند ماهه‌ی سنج و سیاستهای تحریک آمیز برای جنگ نهتهوهی در شهرهای چند نهتهوهی و بمباران و اشغال روستاهای یارسان نشین در پایه‌ی بلندیهایی دالاهو نتایج ناخوشایند و اسف بار آن بود.

سالهای ۶۰ و اوج مبارزه مسلحانه

بعد از چند ماه جنگ و در نهایت اشغال کوردستان، نیروهای نظامی احزاب کوردی بتدریج شهرها را ترک و رو به کوهستانهای مرز ایران و عراق کردند. اشغال کوردستان و عقب نشینی گروه‌های مسلح کورد با جنگ ایران و عراق همزمان شد. حکومت پان عربیست بعث برای اعمال فشار و تضعیف قدرت نظامی ایران اجازه استفاده از خاک خود برای جنگ و مبارزه مسلحانه علیه رژیم اسلامی را به تمام گروه‌های مخالف رژیم داد. قربانیان این جنگ فرزندان نهتهوه‌های ایران بودند که شرایط سیاسی نو آنها را در بین صف آراییهایی بوجود آمده تقسیم کرده بود. جامعه "مادر" درک و تبیینی متفاوت از رهبران و پیشمرگان نسبت به این مبارزه داشت. جامعه مادر این مبارزه را خوشخدمتی به صدام و بعث و خیانت به خود می‌پنداشت و چندان از آن استقبال نکرد. دیری نپایید که بزرگترین احزاب کوردی نیز درگیر جنگ "برادر کشی و خواهر کشی" مزم شدند که چهره‌ی قدرت طلبی و خودمحوری آنها را برای جامعه کوردستان برملا ساخت. مردم کورد از این شرایط مایوس و متأثر شدند. در تمام این مدت این احزاب نتوانستند یک روستا را از وجود و حضور نیروهای سرکوبگر پاک کنند. مردم یارسان نیز برهبری "جنبش مقاومت جامعه اهل حق" نیز بخشی از مبارزه مسلحانه نهتهوهی کورد در این برهه تشکیل داد که در نتیجه‌ی آن چندی از بهترین فرزندان خود را از دست داد. "جنبش مقاومت جامعه اهل حق" بنا به دلایلی که تا امروز مبهم مانده است، بعد از مدتی مبارزه و فداکاری منحل و از صحنه سیاسی کوردستان خارج شد و اعضای خود دچار بحران فکری و سیاسی کرد.

مرحله‌ی کنونی مبارز مسلحانه و جامعه یارسان

حزب دمکرات کوردستان ایران پیشگام مبارزه مسلحانه در این مرحله است. حزب دمکرات کوردستان ایران رسماً اعلام کرده است که از تمام ابزارهای مبارزاتی برای احقاق مطالبات سیاسی خود استفاده می‌کند. دبیر کل حدکا در مقاله‌ای تحت عنوان " توضیحی درباره‌ی شعار سرنگونی جمهوری اسلامی " نگرش حزب خود را در رابطه با این موضوع مستقیماً و بدون پرده تشریح کرده است. خواهان بودن سرنگونی، از نظر او، اصلی انقلابی و نمایان نمودن تمایز بین واپس‌گرای رژیم و دمکراتیک بودن دمکرات است. درست یا نادرست بودن از سرگیری این از مبارزه مورد بحث این مقاله نیست، اما تجربه نشان داده است که مبارزه در هر سطحی و به هر نوعی باید از پشتیبانی نه‌ته‌وه‌ی برخوردار باشد و تمام جریانات نه‌ته‌وه‌ی کورد بر سر آن به اجماع رسیده باشند تا اینکه بتواند به نتایج ملموس و مطلوب برسد و علی‌اینکه منجر به تشدید بحران سیاسی و ناتوانی و ضعف مبارزاتی می‌شود.

بمیان آمدن رسانه‌های دست و پا قرص العربیه و الجزیره برای پوشش این و آن فعالیت سیاسی نیروهای مخالف و پشتیبانی علنی مثلث سنی (عربستان آل سعود، مصر و اردن) از این گروه‌ها با احتمال زیاد شرایطی بهتر از عراق و سوریه برای مردمان ایران بارمغان نخواهد آورد و تکرار سناریوی بالکان چشم انداز آن خواهد بود. در سرزمین ترکی فیصل زن اجازه‌ی رانندگی ندارد، اما مریم رجوی را بخاطر مبارزاتش شایسته‌ی نام و نشانی خسروانی و قهرمانی اسطوره‌ای در شاهنامه میدانند.

جامعه یارسان باید با هوشیاری و تیزبینی تحولات کنونی را رصد کنند و آنها را مورد تحلیل و تجزیه قرار دهند. جامعه یارسان بزرگترین ضربات را از طرف نظام تنوکرات کنونی خورده است. ددمنشی نظام علیه جامعه یارسان نه امری فیزیکی، بلکه جنگی تمام عیار و سیستماتیک ایدئولوژیکی علیه فلسفه، نظام اخلاقی و ارزشهای اجتماعی و فرهنگی این مردم بوده است. بی شک اگر ناسیونالیسم کورد سطحی نگری هستی‌شناسانه خود را بازنگری میکرد و از سرمایه‌های فلسفی یاری تغذیه می‌نمود، میتوانست هویت خواهی خود را بر اساس عقل سیاسی معرفتی و نظری مستقلی استوار کند. جامعه یارسان باید از لحاظ سیاسی، سازمانی و در حد مقدر نظامی نیز خود را آماده برای دفاع از "بودن و ماندن" کند. دشمن اصلی جامعه یارسان اسلام سیاسی است. فلسفه و نگرش جزمی و قشری اسلام سیاسی بر اساس نابودی جامعه یارسان استوار است. جامعه یارسان نمی‌تواند مانع فعالیت‌های نظامی احزاب کوردی در جغرافیای خود شود، اما باید برای کنترل اوضاع و حفظ منافع اقتصادی و مصالح سیاسی خویش ابتکار عمل از خود نشان دهد تا اینکه به سرنوشتی مشابه جامعه ایزدی بدلیل نداشتن ابزارهای سازمانی و مبارزاتی مبتلا نشود. شکی در این نیست که مبارزه مسلحانه‌ی کنونی بیشتر از هر گروه و جغرافیا مردم یارسان و محل سکونت آنها را تبدیل به موضوعی امنیتی و اطلاعاتی برای رژیم می‌کند و با موانع و محدودیتهای بیشتری روبرو خواهند شد. جامعه یارسان و سازمانهای سیاسی، مدنی، حقوقی و فرهنگی در داخل و خارج در هماهنگ سیستماتیک با هم باید با بصیرت و عقل روی ساز و کارهای عملی و پراگماتیست به اجماع برسند و مبنی بر آن استراتژی مبارزاتی خود را ترسیم نمایند. گزافه‌گویی نیست اگر گفت که سازمانهای یارسانی باید برای تأسیس " اتاق عملیاتی " دست بکار شوند، و این " اتاق عملیاتی " باید بتواند تمام فعالیت‌های مبارزاتی و سیاسی را زیر نظر داشت و آنها را هماهنگ کند. جامعه یارسان باید تا حد امکان و مقدر از ساز و کارهای مبارزات مسالمت آمیز استفاده کند و برای ترویج این نوع از فرهنگ مبارزاتی در ایران و کوردستان تلاش نماید، چونکه تجربه نشان داده است که رادیکالیسم و رفتار قهرآمیز جامعه را از دور باطل خشونت، تبعیض و ترور خارج نخواهد کرد، و در بدترین حالت گروه‌ها، اجتماعات و جوامع دینی، اتیکی و جنسی و غیره را با سببیت، درندگی و خشونت مورد ظلم و جنایت قرار میدهد.

امير سليمى

اسنو، ۲۰۱۶/۷/۱۵